

انتخاب هریس آسیب کمتری برای ایران در پی دارد



رحمن قهرمان پور
تحلیلگر
مسائل بین الملل

بدون شک انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا نتایج منفی بیشتری نسبت به انتخاب کامالا هریس برای ایران در بر خواهد داشت. معنای حرف من این نیست که کامالا هریس برای ایران خوب است، بلکه معنایش این است که انتخاب هریس بدی کمتر و آسیب کمتری برای جمهوری اسلامی ایران دارد. در شرایط فعلی انتظار نمی‌رود که انتخاب کامالا هریس به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا منجر به یک توافق بزرگ یا حل اساسی تمامی مشکلات میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا شود، ولی تبعات منفی انتخاب نامزد حزب دموکراتیک برای ما کمتر است. در نقطه مقابل با شناختی که از ریاست جمهوری دونالد ترامپ در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ داشتیم و با توجه به این نکته که او از برجام خارج شد، به نظر می‌رسد که اگر او پیروز شود دوباره تهران شرایط سختی را در منطقه و در روابط با ایالات متحده آمریکا خواهد داشت.

اظهارات رسمی با اظهارات غیررسمی و باورهای قلبی تفاوت دارد. به نظر من این موضع مقام‌ها در سطح رسمی و برای بیان رویکرد مقام‌های ارشد نظام بیان می‌شود تا نشان دهند که تفاوت معناداری میان دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا وجود ندارد. تقریباً موضع مشابهی از سوی دولت جمهوری خلق چین هم بیان می‌شود. اما براساس تحلیل شرایط می‌توان دریافت که تفاوت وجود دارد اما مسئله‌ای که اینجا اهمیت پیدا می‌کند کمیت و اندازه تفاوت این دو نامزد در رویکردشان نسبت به ایران است. ممکن است از نگاه فردی که در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نشسته‌است، تفاوت معناداری میان این دو نباشد اما اگر معیار متفاوتی برای مقایسه انتخاب کنیم، ممکن است تفاوت‌هایی در ریاست جمهوری احتمالی هر یک از این دو نامزد ببینیم. انتخاب کامالا هریس باعث معجزه در روابط ایران و آمریکا نخواهد شد. اگر با این معیار به این دو نامزد نگاه کنیم که «آیا انتخاب یکی از آنها باعث بهبود روابط ایران و آمریکا می‌شود؟» جواب من این است که نه! انتخاب هیچ‌یک از این دو سیاستمدار باعث بهبود روابط ایران و آمریکا نمی‌شود. اما اگر معیار متفاوتی داشته‌باشیم و بپرسیم که «انتخاب کدام‌یک از این دو نامزد آسیب کمتری به منافع ایران وارد می‌کند؟» آنگاه پاسخ متفاوت است. اگر با متر و معیار آسیب کمتر به این انتخابات نگاه کنیم، به نظر کاملاً هریس آسیب کمتری وارد می‌کند و حتماً میان دو نامزد از این لحاظ تفاوتی وجود دارد.

به نظر من دونالد ترامپ در صورت انتخاب به مقام ریاست جمهوری، رویکردی سختگیرانه‌ای در قبال ایران در پیش خواهد گرفت. دونالد ترامپ اگر در انتخابات پیروز شود یک سیاستمدار زخم‌خورده از دموکرات‌ها است و تلاش خواهد کرد که بیش از گذشته خود را متمایز از آنها جلوه دهد. نکته دیگر این است که دونالد ترامپ ۲۰۲۴، سیاستمداری باتجربه‌تر از دونالد ترامپ ۲۰۱۶ است و در عین حال باورها و افکار او تغییر چندانی نکرده‌است. باید وضعیتی که دونالد ترامپ در آن ممکن است به ریاست جمهوری برسد را هم در نظر گرفت. او در شرایطی قرار آستانه انتخاب به‌عنوان رئیس‌جمهوری قرار می‌گیرد دموکرات‌ها علیه او بسیج شده‌اند، چندین پرونده قضایی علیه او تشکیل شده‌است و بسیاری از کشورهای جهان و متحدان آمریکا منتقد او هستند. در چنین شرایطی دونالد ترامپ بیش از پیش تصور می‌کند که یک نایفه است و بیشتر از دوره قبل به حقانیت خودش ایمان خواهد آورد. در چنین وضعیتی او به ریسک‌هایی دست خواهد زد که حتی دوره قبل هم به آنها دست نزده‌است. رؤسای جمهور آمریکا در دور دوم به این دلیل که نخست به دنبال بر جا گذاشتن میراثی بزرگ و ماندگار از خود هستند و دوم اینکه نگران شرکت مجدد در انتخابات نیستند و نیازی به آرای عمومی ندارند، ریسک‌پذیری بیشتری دارند.

انتخاب ترامپ می‌تواند به نفع ایران باشد



محسن پاک‌آئين
سفیر پیشین ایران
در جمهوری آذربایجان

در هر دو حزب آمریکا علاوه بر اجماع در مورد حمایت از موجودیت اسرائیل و حفاظت از امنیت آن، در مورد مخالفت با موجودیت انقلاب اسلامی ایران هم اشتراک‌نظر وجود دارد. در بسیاری از مواقع منافعی که دولت‌هایی از هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در منطقه دنبال کرده‌اند، مغایر با منافع جمهوری اسلامی ایران بوده‌است. به همین دلیل چه نامزد حزب دموکرات و چه نامزد حزب جمهوری خواه به‌خصوص با جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهند داد. اینگونه نیست که بگوییم نتیجه انتخابات آمریکا برای تهران «اهمیت» ندارد، بلکه درست‌تر این است که تفاوتی میان این دو نامزد از لحاظ استمرار خصومت آمریکا علیه ایران وجود ندارد و هیچ‌یک از آن دو دستاوردی برای ایران نخواهند داشت.

دونالد ترامپ در دوران ریاست جمهوری اش اقداماتی را علیه ایران انجام داد. او معتقد بود که برجام به نفع ایران تنظیم شده‌است و منافعی برای آمریکا ندارد، به همین دلیل تصمیم گرفت که از برجام خارج شود اما بعد از شکست دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰، جانشین او از حزب دموکرات، یعنی جو بایدن هم همین خطا را ادامه داد و تغییر اساسی در سیاست آمریکا ایجاد نشد. دولت دموکرات به برجام بازنگشت و در ماه‌های پایانی دولت بایدن صریحاً می‌شنویم که دولت آمریکا اعلام می‌کند برجام دیگر اولویتی برای واشنگتن ندارد. به نظر هر یک از این دو نامزد روی کار بیاید رویکرد مشترکی در مورد توافق هسته‌ای با ایران خواهند داشت و به دلیل اینکه در سایه برجام تحریم‌ها علیه ایران لغو خواهد شد و آمریکا علاقه‌ای ندارد گشایش اقتصادی و مالی برای ایران ایجاد شود، هیچ‌یک از دو نامزد اقدام عملی برای رفع تحریم‌ها علیه ایران انجام نخواهند داد. اقدام دیگر ترامپ هم ترور مقام‌ها و مسئولان ایرانی از جمله اقدام به ترور شهید سردار سلیمانی بود. این اقدام نتیجه خواست و اراده رژیم صهیونیستی بود. میان ترامپ و هریس در این زمینه تفاوتی وجود ندارد، همانگونه که در دوران رئیس‌جمهوری بایدن هم دیدیم که علاوه بر چندین فرمانده بلندپایه نظامی ایران از جمله سردار عباس نیلوفرشان، افرادی مانند اسماعیل هنیه در داخل خاک ایران و رهبران متحد ایران از جمله سیدحسن نصرالله و سیدهاشم صفی‌الدین با چرخ سبز آمریکا توسط اسرائیل ترور شدند. ترامپ هم اگر روی کار بیاید همین روش‌ها ادامه پیدا خواهد کرد، چرا که این اقدام‌ها صرفاً به موضوع موجودیت رژیم صهیونیستی مربوط است.

جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در برخی از اصول مواضع مشخص و ساختاری دارند. برای مثال در مورد حمایت از موجودیت رژیم صهیونیستی و امنیت اسرائیل هر دو حزب یک نظر واحد دارند، هر چند ممکن است روش‌های متفاوتی را برای این هدف دنبال کنند، اما دیدگاه آنها مشترک است. به همین دلیل معتقدم که در مورد مسئله اسرائیل، تفاوتی برای ایران ندارد و هر یک از این دو نامزد به ریاست جمهوری انتخاب شوند، نظام حمایتی آمریکا را از اسرائیل حفظ می‌کنند و به تبع آن علیه ایران و متحدان ایران اقدام خواهند کرد. مسئله مهم بین‌المللی دیگر، جنگ اوکراین است. به نظر می‌رسد دونالد ترامپ به دلیل رابطه نزدیکی که با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دارد و به دلیل حضور اقتصادی ترامپ، حتی قبل از ریاست جمهوری دوره قبلش در روسیه، علاقه‌مند است که جنگ اوکراین را به نحوی به پایان برساند، چرا که فشارهای اقتصادی جنگ اوکراین بر آمریکا هم زیاد است. اگر دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا برگزیده شود، دنبال خاتمه جنگ اوکراین خواهد بود و اگر در این امر توفیق پیدا کند فشارهایی هم که به پهنه حمایت ایران از روسیه در جنگ وارد می‌شود، کاهش پیدا خواهد کرد. در رابطه با سیاست‌های کلی، دونالد ترامپ معمولاً به دنبال حل مشکلات اقتصادی داخل آمریکا است. او در دوره نخست ریاست جمهوری خود نشان داد که نگاه به درون دارد و به دنبال حل مشکلات اقتصادی و مباحث اجتماعی درون آمریکا است. دونالد ترامپ در دور نخست ریاست جمهوری اش از اروپایی‌ها خواست تا سهم بیشتری از بودجه خود را به امور دفاعی و نظامی اختصاص دهند تا میزان فشار مالی عضویت در ناتو و حمایت نظامی از اروپا از دوش آمریکا برداشته شود. او در عین حال با وضع یا تشدید تعرفه واردات از چین و کشورهای عضو اتحادیه اروپا تلاش کرد تا علاوه بر درآمدزایی، صنایع و بازار کار آمریکا را رونق دهد. این رویکرد ترامپ باعث می‌شود که اختلاف‌ها میان آمریکا و متحدانش به‌ویژه در اروپا و حتی کانادا شکل بگیرد و این رویه باعث می‌شود تا ایجاد اجماع میان واشنگتن و متحدانش در عرصه بین‌المللی مشکل‌تر شود و این فقدان اجماع در غرب می‌تواند به نفع ایران باشد.

موانع حیثیتی مذاکره با ترامپ



حیدرعلی مسعودی
استاد روابط بین‌الملل

واقعیت این است که هیچ‌یک از این دو نامزد واقعاً نامزد مطلوب مقام‌های ایران یا حتی جامعه ایران نیستند. مردم ما هم در این انتخابات، انتخاب‌کننده نیستند. اما نهایتاً انتخاب یکی از این دو نامزد می‌تواند گزینه‌ای بد یا بدتر برای ایران باشد. در حوزه سیاست‌ها، چه سیاست داخلی و چه در سیاست بین‌المللی در حال حاضر ما خیلی گزینه‌های مطلوبی پیش روی خودمان نداریم. ما همواره باید نگاه کنیم بین گزینه‌هایی که پیش روی ما هست کدام‌یک می‌تواند از دیگری بهتر باشد.

پیش‌بینی عملکرد، رویکرد و رفتار دولت دوم احتمالی دونالد ترامپ بسیار سخت است. مهم‌ترین دلیل این است که خود دونالد ترامپ و مشاوران نزدیکش معتقدند که دولت او قرار است کاملاً پیش‌بینی‌ناپذیر رفتار کند. عنصر پیش‌بینی‌ناپذیری (Unpredictability) یا رفتارهای جسورانه آمریکا در عرصه بین‌المللی، مهم‌ترین ویژگی دولت احتمالی دوم دونالد ترامپ خواهد بود. اگر بخواهیم بین دو نامزد ریاست جمهوری انتخابات آمریکا مقایسه‌ای داشته‌باشیم، احتمالاً وضعیت برای ایران در دولت احتمالی ترامپ سخت‌تر خواهد بود. مهم‌ترین دلیل این است که رابطه ایران و آمریکا صرفاً نظر از موانع بنیادینی که در این رابطه وجود دارد، با موانع مضاعفی در دولت احتمالی دونالد ترامپ مواجه خواهد شد. یکی از مهم‌ترین موانع مضاعف این است که هرگونه رابطه با دونالد ترامپ، هزینه پرستیژی و حیثیتی بسیار زیادی برای ایران خواهد داشت، چرا که تهران در چنین رابطه‌ای قرار است با امر عملیات ترور شهید سلیمانی مذاکره کند؛ با کسی مذاکره کند که از برجام خارج شده‌است و با فردی مذاکره کند که کاملاً پیش‌بینی‌ناپذیر و کاسب‌کارانه می‌خواهد با ایران رفتار کند.

در طول سال ۲۰۲۴ حدود ۲۵ انتخابات ریاست حکومت و دولت در سراسر جهان برگزار شد. انتخابات ایالات متحده بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، مهم‌ترین انتخابات برای ایران محسوب می‌شود. اهمیت این انتخابات نخست به دلیل قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا در عرصه جهانی است و دوم به دلیل اثرگذاری و ارتباطاتی است که آمریکا به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و با همسایگان ایران در دهه‌های گذشته داشت. قطعاً این انتخابات بر ایران مؤثر است، به‌ویژه اینکه یکی از نامزدهای این انتخابات فردی است که مصداق و نتیجه تعامل مستقیم میان ایران و آمریکا، یعنی برجام را به هم زد و باعث بازگشتن روابط تهران و واشنگتن به ریل پیش از برجام شد. به همین دلیل انتخابات آمریکا برای ایران به دو دلیل اهمیت دارد. نخست به دلیل تأثیرگذاری آمریکا در محیط پیرامونی ایران و آینده سیاست همسایگی ایران است که در دولت سیزدهم آغاز شد و در دولت چهاردهم هم ادامه یافت. دلیل دوم هم شعار مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران وزیر امور خارجه اومینی به مدیریت منازعه با آمریکا است. به همین دلیل انتخاب دونالد ترامپ یا کاملاً هریس در هر دو برنامه بنیادین سیاست خارجی تهران، یعنی سیاست همسایگی و مدیریت منازعه با آمریکا، بسیار مؤثر است.

شاید هم این اتفاق افتاده باشد و من نمی‌دانم خبر باشم. مشکل ایران است که در رابطه با نوع تعامل با آمریکا هنوز واقعاً به جمع‌بندی مشخصی نرسیده و این گزار را دنبال می‌کند که «برای ما اهمیتی ندارد چه کسی در انتخابات آمریکا برنده می‌شود. سیاست‌های عملی واشنگتن برای ما مهم است.» این گزینه عملاً هر گونه کنشگری تأثیرگذار را از ایران سلب می‌کند. اگر در پی انتفاع از جنبه‌های مثبت آمریکا برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود نیستیم، حداقل باید برای کاهش ضرر و زیان آن تدبیری اندیشیده شود. ما نیازمند دستیابی به یک اجماع، تدوین سیاست، راهکارهای تأثیرگذاری برای تأمین منافع خود در رابطه با قدرتی هستیم که چه بخواهیم و چه آگاه داشته باشیم به نقش آفرینی مؤثر و کلیدی در جهان مشغول است.

اینکه چه کاندیدی دموکراتی در انتخابات پیروز شود، در سیاست کلان آمریکا نسبت به ایران مخصوصاً در رابطه با موضوعات اساسی مثل موضوع اسرائیل و محور مقاومت، تغییر زیادی رخ نخواهد داد. در مسائل استراتژیک در رابطه با ایران مناسفانه ما یک اجماع دوحزبی آمریکا را شاهد هستیم. آنچه تفاوت می‌کند، تاکتیک‌های دو حزب در رابطه با کشورمان است. به‌عنوان مثال، در موضوع فلسطین و اسرائیل، معروف است که دموکرات‌ها معتقد به راه حل دودولتی هستند اما جمهوری خواهان با ایده دودولتی که از

پشتوانه قطعنامه‌های سازمان ملل و شورای امنیت و حمایت اکثریت کشورهای جهان بر خوددار است، مخالف هستند. موافقت‌نامه‌های اسلو در سال ۱۹۹۳ میان یاسر عرفات، رئیس‌سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل در حضور بیل کلینتون رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا به امضا رسید. هر چند اسرائیل مکرراً آن را نقض کرد. این روند در دولت اوباما هم پیگیری شد. در جنگ غزه، دولت بایدن به‌رغم حمایت قاطع از اسرائیل همچنان بر طرح دودولتی اصرار دارد و این از اختلافات میان بایدن-هریس با نخست‌وزیر تندر و اسرائیل است.

در موضوع ایران هم تفاوت تاکتیک‌های دو حزب طی ۴۵ سال گذشته مشخص بوده‌است. البته دونالد ترامپ در جمهوری خواهان یک استثنا است. به خاطر خودبیشتری‌هایی که دارد، شاید بشود با او معامله کرد که بشود خطرا از دو کشور دور کرد. او در دوره قبل که از برجام خارج شد، مدام می‌گفت برجام بد و اصلاً بدترین توافق بود. ایران سر ما کلاه گذاشت و بیاید با من توافقی جدید امضا کنید. رفتار او با ایران تلاش برای رسیدن به راهکاری مشابه قضیه کره شمالی بود. با توجه به رویکرد خارج از عرف سیاسی ایران در قبال آمریکا، به نظر می‌رسد پیروزی ترامپ شرایط را برای ایران سخت‌تر خواهد کرد. ویژگی‌های شخصیتی، لابی نیرومندان اسرائیل در کمپین ترامپ و حمایت اعراب محافظه‌کار